



چرا بشر قرن بیستمی به صلح قرن نوزدهمی پایان داد/ تردید در ایده آل و بهشت زمینی

رئیس فرهنگستان علوم در هجدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا گفت: از اوایل قرن 20 در ایده آل و بهشت زمینی تردید شد...

رئیس فرهنگستان علوم در هجدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا گفت: از اوایل قرن 20 در ایده آل و بهشت زمینی تردید شد و این تردید می تواند آرامش را به هم بزند که چنین هم شد و کار به بجایی رسید که امروزه می گویند «سیاست مدیریت اردوگاه است».

به گزارش خبرنگار مهر، هجدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا با عنوان «فلسفه و صلح جهانی» صبح امروز پنجشنبه اول خرداد به همت بنیاد حکمت اسلامی صدا در مجتمع آدینه آغاز شد.

دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم و چهره ماندگار فلسفه طی سخنانی در این همایش به موضوع «صلح در فلسفه» پرداخت و گفت: صلح و جنگ از هم جدا نیستند یعنی نمی شود درباره صلح و دوستی سخن گفت بدون این که جنگ و دشمنی در نظر بیاید. برخی معتقدند تاریخ جنگ است و مرزبندی ها با جنگ معین شده است و مشهورترین فردی که پیرامون جنگ کتاب نوشته می گوید «جنگ ادامه سیاست است». من نمی دانم جنگ ادامه سیاست است یا سیاست ادامه جنگ اما هرچه هست این دو از هم جدا نیستند.

وی با اشاره به آیاتی از قرآن که ناظر بر حاکمیت صلح بر عالم در ابتدای آفرینش است، افزود: ابتدا الفت است در عالم و بعد درگیری ایجاد می گردد. در تاریخ بشر همواره جنگ بوده است چنان که هگل می گوید «صفحات صلح در کتاب تاریخ سفید است».

رئیس فرهنگستان علوم افزود: مهم این است که بسیاری از فلاسفه روی جنگ تاکید دارند و بر طبع بشر به جنگ اشاره می کنند. از طبع بشر حرف نزنیم و نگوئیم که طبع بشر اقتضای جنگ دارد. هر چند حدود انسان در عالم اقتضائاتی دارد چنانچه فروید هم بشر را اهل صلح می داند و هم اهل جنگ؛ یعنی در روانشناسی بشر این مساله وجود دارد و وجود ما مرکب از دو عنصر مهر و مرگ یا عشق و مرگ است. البته فروید بر این مساله تاکید می کند که بشر می تواند بر میل به تجاوز و جنگ جویی مهار بزند.

این استاد فلسفه دانشگاه تهران ادامه داد: با این مقدمه ای که عرض کردم می خواهم بگویم که سیاست پایان جنگ است و مدینه بشری قوام پیدا می کند و زندگی جمعی در سیاست قوام می کنند تا صلح را ایجاد کنند اما مشکل این جا است که سیاست باید مرزها و تفاوت ها را مشخص کند و در درون سیاست جنگ به وجود می آید.

وی نظر کسانی که به جنگ در برابر صلح اصالت می دهند را رد کرد و گفت: در تفکر یونانی سیاست به اخلاق پیوسته است. سیاست برای صلح است گرچه یونانی کار را از سیاست جدا می کند و آن را متعلق به خانه می داند اما یونانی زندگی اخلاقی را در مدینه می بیند و در این زندگی بشر طلب فضایل می کند و آن زندگی، زندگی صلح است اما با این وجود یونانی در حال جنگ و «اسپارت» همواره در حال جنگ بوده است و آتن یا آتن ایده آل جویای فضیلت است بنابراین به صلح اهمیت می دهد و خود را در برابر «بربر»، «هلم» می خواند و این می تواند زمینه جنگ باشد. به این ترتیب نمی توان گفت فلسفه ها با صلح یا جنگ ارتباطی ندارند.

دکتر داوری اردکانی با اشاره به جایگاه جنگ و صلح در دوره جدید گفت: در دوره جدید در قرن 18 ایده آل صلح و بهشت زمینی مطرح شد و یکی از مهمترین آرا در این باب نظر کانت است که در فهم تاریخ تجدد قابل تامل است. هرچه بوده بعد از جنگ های بنایارت تا 1914 میلادی هیچ جنگ مهمی در اروپا اتفاق نیافتاد اما آیا فکر نمی کنید این ایده آل قرن 18 در پیدایش این وضعیت موثر باشد، که در یک دوره یک قرن این وضعیت ناشی از نهضتی است که در آلمان به وجود آمد. این فلسفه قرن 18 که رویای صلح و آزادی و سلامت و رفاه و حتی بی مرگی داشت در برقراری صلح به مدت یک قرن موثر بود اما این که چرا این فضا یک باره شکسته شد، این مساله هم ناشی از تحولی است که در فلسفه ایجاد گردید.

وی ادامه داد: از اوایل قرن 20 در ایده آل و بهشت زمینی تردید شد و این تردید می تواند آرامش را به هم بزند که چنین هم شد و کار به بجایی رسید که امروزه می گویند «سیاست مدیریت اردوگاه است» یعنی جهان به اردوگاه تبدیل شده است. آیا همه جنگ ها یکی هستند؟ بی تردید جنگ مشترک معنوی است اما من از ادب فارسی بهره می برم تا نشان دهم صورت های مختلف جنگ داریم و افراد اختلاف های متعددی با هم دارند. در حدود صد سال پیش اختراعی شد و اعلام کردند شاعران در باب مهر مادر بسرابند و شاعران به این کار پرداختند. اما یکی از آنها از جنگ آغاز کرد، همان که مطلع آن این بود «داد معشوقه به عاشق پیام/ که کند مادر تو با من جنگ» البته دو سطر آخر به مهر مادر می رسد و شعر را با مهر و صلح تمام می کند. این نمونه ای از جنگی است که بین اشخاص واقع می شود اما جنگ دیگری هم وجود دارد که «فیخته» دو صفحه ای از ژان پل سارتر نقد می کند و آن را بسط می دهد که به نمایشنامه گوشه نشینان معروف است. در این نمایشنامه بازرگانی قصد سپردن کارهای تجاری خود را به پسر دارد اما پسر اظهار ناتوانی می کند و می گوید نمی توانم به چشم مردم بنگرم و پدر به او می

گوید لازم نیست به چشم آنها بنگری بلکه به سر آنها نگاه کن طوری که آنها فکر کنند به چشم آنها می نگری. به نظر فیخته و سارتر ما با نگاه، اشخاص را تسخیر می کنیم و نگاه ما خودی اشخاص را از آنها می گیرد و این نگاه جنگ است. رئیس فرهنگستان علوم افزود: اما این جا من می خواهم به جنگی بپردازم که در سیاست بین کشورها واقع می شود و با آن دو جنگ قبلی اگرچه ارتباطی هم دارد. جنگ های قدیم به آن دو جنگ قبلی بر می گردند اما جنگ زمان ما رنگ دیگری است. جنگ زمان ما جنگی است که در قرن 19 به آن نظر داشتند بلکه این جنگ، جنگ علمی و تکنولوژیکی است. اگر از 1945 تا الان که حدود 70 سال می گذرد جنگ واقع نشده دلیلش این است که این جنگ تکنیکی است که از سال 1932 اتفاق نیافتاد بلکه اگر این جنگ واقع شود دنباله جنگی است که در 1945 ختم شد.

وی تاکید کرد: اخلاقی ترین مردمان ممکن است زمانی با جنگ موافقت کنند و ما نمی توانیم داور فکر باشیم که هر وقت جنگ را تایید کردیم جنگ خوب است و یا برعکس. در سال 1943 و 44 دانشمندان اروپایی و آمریکایی مشغول طراحی سلاحی شدند که به جنگ پایان دهد. وقتی کار به مرز تحقق رسید هاینزبرگ به یکی از دوستانش نوشت که بیا بید از این کار غیراخلاقی و ضدبشری صرفنظر کنید و این مساله بین اندیشمندان مطرح بود تا این که ناگهان این خبر منتشر شد که بمب اتم در آمریکا ساخته شده است و پیش از آن مرد بزرگ علم قرن 20 یعنی انیشتین نامه ای نوشته بود که ما سلاحی می توانیم بسازیم که به جنگ خاتمه بدهد. نفوذ تکنیک و تکنولوژی در جهان امروز در به وجود آوردن جنگ و صلح آنقدر موثر است که نمی دانیم با آن چه کنیم و همواره نگرانیم از این که عاقبت سلاحی که در زرادخانه ها وجود دارد چه می کند و نمی گویم که این نگرانی و ترس مانع جنگ وحشتناک تکنیکی می شود اما این مساله موضوعی است که سیاست مداران نمی توانند آن را نادیده بگیرند چرا که جنگ امروز جنگ علم و تکنولوژیک است. علمی که هم سازنده است و هم ویرانگر و صلح و جنگ با هم هستند ولی آخر کار بشر صلح و آرامش است و عاقبت را در صلح می بینیم و این است که حکما، شاعران و فلاسفه ما صلح دوست بودند.